

الله متصف شود بخلق افعال عبادت از چنانچه بخلق است
سیم بخلق صفاتی آنست که سالک در حالت کشف ^{مظهر}
بخلق واقع شود و بصفته از صفات الهی موصوف
کرد و حدث قدسی این معنی واردست لایزال العبد ^{ستور}
الی بالنوافل حتی احبه فاذا احبته كنت سمعاً بصر و بیده
و رجلاً و لسانه فی یسمع و ینبصر و ینطق و ینبغی ^{دلیل}
صریح است بر آنکه بنده بکثرت طاعت و عبادت و نفع خواطر
مظهر بخلق می شود و بصفات الهی موصوف می شود ^{صراط}
نبوی اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله مؤيد
ماین معنی است که دیده بهیرت مؤمن ماکاه که بنور
الهی منور گردد صفات الله را مشاهده تواند نمود

چهارم بخلق ذاتی آنست که سالک در حین مکاشفات ^{مظهر}
بخلق کرده و او در محو ذات احدیت چنان مستغرق
و مثلاًشی شود و فانی محض گردد که از وی هیچ علم نشان
و اثر نماند فانی حقیقت عبادت از چنین محویت اما بعضی
کسان که از این معنی قاصرند بقیاسات ^{نیت} عقلا تصور میکنند
که در بخلق ذاتی تقدّم و کثرت و حلول و اتحاد لازم می آید
حلول و اتحاد اینچنانچه محاله است ^{در} وحدت دو پویی عین
ضلاله است ^{چون} بغير ذات متعالیه هیچ نمی ماند اثبیت
از کجا ماند بنا برین معنی فانی صرفاً بخلق ذاتی میگویند
دانش ای عزیز که فی الحقیقه نور یکست و او را تلوان
و تعیین نیست و آن نور ذات متعالیه است ^{عزانه}